

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سیاست‌های امنیتی اتحادیه اروپا
در خاورمیانه

دیدگاه‌های مطرح‌شده در این گزارش به معنای تأیید یا رد
محتوای آن از سوی مؤسسه نیست.



سیاست‌های امنیتی اتحادیه اروپا در خاورمیانه

بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار

معاصر تهران - معاونت پژوهشی

ترجمه و تلخیص: الیاس واحدی

تاریخ انتشار: ۹۷/۶/۴

دوره: سال اول، شماره پیاپی

تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۵۶۲۰۵

صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵

نشانی اینترنت: www.tisri.org

تیراژ: ۲۰ نسخه

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر،
انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به هر صورت و بدون اجازه کتبی این
مؤسسه مجاز نمی‌باشد.

خلاصه اجرایی

در دوران جنگ سرد، مقابله با تهدید شوروی رویکرد اصلی امنیتی اتحادیه اروپا، و ناتو اصلی‌ترین ابزار دفاعی اتحادیه اروپا بود. بعد از فروپاشی شوروی، مشروعیت ناتو برای اتحادیه زیر سؤال رفت و اعضای اتحادیه اروپا این نهاد امنیتی را برای تأمین امنیت خود ناکافی می‌دانستند و پس از آن، به فکر تأسیس ساختار امنیتی مخصوص به خود افتادند. اروپایی‌ها در توافق‌نامه لیسبون، برنامه‌هایی را برای تشکیل ارتش مشترک اروپایی آغاز کرده بودند. در جریان تصمیم‌گیری ناتو برای مداخله یا عدم مداخله مستقیم نظامی در لیبی، اختلافات پیش‌آمده بین اعضای اتحادیه اروپا به معنی مردود شدن این اتحادیه در آزمون امنیت مشترک بود. واکنش اتحادیه اروپا در موضوع بهار عربی در ابتدا واکنش منفعلانه‌ای بود. کشورهای اروپایی با تصور اینکه این دولت‌ها قادرند جنبش‌های اعتراضی مردم را سرکوب کنند خواهان حفظ دولت‌های عربی مرتجع بودند؛ ولی در ادامه، به ماهیت واقعی جنبش‌های مردمی عربی پی بردند. در تصمیمات اتحادیه اروپا در خصوص خاورمیانه، یک ملاحظه اساسی همواره وجود داشته و آن، منافع ملی کشورهای عضو این اتحادیه در رابطه با منطقه خاورمیانه بوده است؛ از این رو، تصمیمات اتحادیه یکپارچگی لازم را نداشته است. با شروع مناقشه سوریه و بحرانی‌تر شدن اوضاع انسانی در سوریه و سیل مهاجرت آوارگان سوری به کشورهای اروپایی، بهار عربی به موضوع داخلی در بین کشورهای اتحادیه اروپا تبدیل شده بود و در این خصوص، بین سه کشور اصلی و سه قدرت بزرگ اتحادیه یعنی فرانسه، آلمان و انگلستان اختلاف‌نظرهای اساسی پدید آمد. اتحادیه اروپا در مناسبات با کشورهای مختلف خاورمیانه اولویت اصلی را به بهره‌گیری از قدرت نرم به جای قدرت سخت و نظامی داده است. البته در مقاطعی

اتحادیه مجبور شده است رویکرد غالب خود را در برابر خاورمیانه کنار بگذارد و به رویه‌های استفاده از قدرت سخت متوسل شود. هدف اصلی کشورهای عضو اتحادیه اروپا در منطقه خاورمیانه از یک سو به منافع اقتصادی اعضای اتحادیه با کشورهای خاورمیانه بستگی داشته است و از سوی دیگر، اتحادیه اروپا خود را به مثابه مدل و الگوی مطلوب برای کشورهای خاورمیانه در نظر می‌گیرد. با شرایط کنونی می‌توان گفت که چشم‌انداز روشنی از آینده امنیتی مشترک اتحادیه نیز وجود ندارد و اعضای اتحادیه پس از رسیدن به فهم مشترک می‌توانند در خصوص امنیت سایر مناطق جهان از جمله خاورمیانه به سیاست مشخص و مشترکی برسند.

۱. فرایند شکل‌گیری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا با دو هدف اولیه «اتحاد کشورهای مسیحی» و «رفع تهدید علیه مسیحیت اروپایی» تشکیل شده است (Zwaan et al, 2016). البته فرانسه و آلمان اولین حامیان شکل‌گیری اتحاد مسیحی در اروپا قبل از هر اقدامی، با شکل‌دهی همکاری‌های اقتصادی مانند صنایع زغال‌سنگ و صنایع فولاد و تأسیس اتحادیه زغال‌سنگ و اتحادیه فولاد طبق قرارداد ۱۹۵۲ پاریس، کار همگرایی اروپا را با اقدامات اقتصادی انجام دادند و بعد از آن، اتحادیه اتمی شکل گرفت و کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا و بلژیک، هلند و لوکزامبورگ اعضای اولیه تشکیلات جدیدی با نام جامعه اروپایی بودند (McIver, 2011) و در نهایت، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به سال ۱۹۹۲، طبق معاهده ماستریخت، تشکیلات جامعه اروپایی به اتحادیه اروپا تغییر نام داد. اکنون اتحادیه اروپا ۲۸ عضو دارد که طبق آمار سال ۲۰۱۸، مجموع جمعیت کشورهای عضو اتحادیه پانصد میلیون نفر است (Official Website of the European Union, 2018).

۲. جنبه‌های امنیتی اتحادیه اروپا

رویکردهای امنیتی اتحادیه اروپا به دو بخش «دوران جنگ سرد» و «دوران بعد از جنگ سرد» قابل تقسیم است. در دوران جنگ سرد، تهدید اتحاد جماهیر شوروی شاکله اصلی امنیتی اتحادیه را تحت تأثیر قرار می‌داد و ناتو اصلی‌ترین ابزار دفاعی اتحادیه اروپا بود. بعد از فروپاشی شوروی، مشروعیت ناتو برای اتحادیه زیر سؤال رفت و اعضای اتحادیه اروپا به دلایلی از جمله سیطره آمریکا در ناتو و وجود اعضای خارج از اتحادیه اروپا در سازمان ناتو، این نهاد امنیتی را برای تأمین امنیت خود ناکافی می‌دانستند. در این دوره، دشمن مشترک و مشخص از بین رفته بود و از نظر اروپایی‌ها، زمان آن رسیده بود که اتحادیه به دنبال سیاست‌های امنیتی مخصوص به خود باشد (Karabulut, 2014: 47).

بعد از پیمان ماستریخت، اتحادیه اروپا در سه ستون متمرکز شد که عبارت بودند از:

۱. جامعه اقتصادی اروپایی؛

۲. سیاست خارجی و امنیتی مشترک؛

۳. همکاری‌های مشترک پلیس و نظام قضایی.

سیاست‌های امنیتی اتحادیه، که ذیل ستون دوم قرار می‌گیرد، در نشست‌ها و پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه بعدی بین اعضای اتحادیه نیز مورد توجه قرار گرفت که قرارداد پترزبورگ در ۱۹۹۲ بین آلمان و فرانسه و توافق سنت مالو بین فرانسه و انگلیس در ۱۹۹۸ در زمره تلاش‌های صورت‌گرفته در زمینه مسائل امنیتی و دفاعی اتحادیه اروپا و شکل‌دهی ساختار دفاعی - امنیتی مخصوص به اعضای اتحادیه بوده است. در سال ۲۰۰۳، اولین سند امنیتی اتحادیه اروپا رسماً منتشر شد. این سند با عنوان «اروپای امن در جهانی بهتر» انتشار یافت و بعدها «استراتژی امنیتی اتحادیه اروپا» نام گرفت. در ادامه رویکرد امنیتی اعضای اتحادیه اروپا، نشست لیسبون در سال ۲۰۰۷ جایگاه برجسته‌ای در ترسیم دورنمای امنیتی اعضای اتحادیه اروپا داشت. توافقات نشست لیسبون در سال ۲۰۰۹ به اجرا گذاشته شد. در همین توافق‌نامه، ستون دوم پیمان ماستریخت که با عنوان سیاست خارجی و امنیتی مشترک قید شده بود، به سیاست امنیتی و دفاعی مشترک تغییر نام داد و درنهایت، در سال ۲۰۱۷ اعضای اتحادیه اروپا برای رفع نقیصه نداشتن ارتش مشترک مخصوص اتحادیه تصمیم گرفتند توافق تشکیل ارتش مشترک را امضا کنند و اولین گام، تشکیل صندوق دفاعی اروپا بود. انگلیس و دانمارک این توافق را قبول نکردند و دو کشور پرتغال و مالتا اعلام کردند در این خصوص بعداً تصمیم خواهند گرفت؛ ولی بقیه اعضای اتحادیه اروپا عضویت در این صندوق را پذیرفتند (Sculthorpe, 2017).

۳. نحوه به‌کارگیری قدرت و اعمال سیاست‌های امنیتی اتحادیه اروپا در

خاورمیانه

مفهوم استفاده از قدرت در اتحادیه اروپا اکنون بیشتر بر بهره‌گیری از قدرت نرم استوار است و این اتحادیه سعی دارد تا زمانی که ضرورت ایجاد نکند، به اقدامات نظامی روی نیاورد. در حال حاضر، اتحادیه اروپا می‌کوشد نفوذ خود را در مناطق دیگر جهان، در حوزه‌های اقتصاد، مسائل اجتماعی، حقوق مدنی شهروندان و مسائل فرهنگی و ارزشی

متمركز سازد (KILDİŞ, 2018: 8).

به باور برخی، درخصوص به‌کارگیری نوع قدرت در بین اعضای مهم اتحادیه اروپا، رویه یکسانی وجود ندارد. کشوری مانند آلمان به‌جهت داشتن سابقه منفی جنگ جهانی اول و دوم سعی دارد برای نفوذ در کشورهای خارجی بیشتر از قدرت نرم به‌ویژه قدرت اقتصادی استفاده کند و تمایلی به استفاده از قدرت سخت و نیروی نظامی ندارد؛ ولی انگلستان و فرانسه که هنوز منافعی در مستعمرات قبلی خود دارند، هنوز از قدرت نظامی استفاده می‌کنند (Hyde-Price, 2004: 325).

به‌دلیل اهمیت سیاسی، اقتصادی و استراتژیک خاورمیانه برای اتحادیه اروپا، این منطقه همواره در کانون توجه سیاست‌های امنیتی اتحادیه بوده است. سیاست‌های امنیتی اتحادیه اروپا در خاورمیانه را برخی کارشناسان به دو دوره «قبل از بهار عربی» و «بعد از بهار عربی» تقسیم می‌کنند (KILDİŞ, 2018: 8).

۳-۱. دوره قبل از بهار عربی

در این دوره، خاورمیانه، شمال آفریقا و منطقه مدیترانه برای اتحادیه اروپا بیشتر براساس مسائل اقتصادی اهمیت داشتند. در این خصوص، تأمین منابع انرژی مورد نیاز اروپا از این مناطق به‌ویژه خاورمیانه و منطقه حاشیه خلیج فارس از یک‌سو، و حجم بالای صادرات کشورهای اروپایی به کشورهای خاورمیانه از سوی دیگر، ضرورت‌های اساسی توجه اروپا به خاورمیانه بوده است. در این میان، اتحادیه اروپا به‌دلیل ملاحظات ناشی از حفظ روابط اقتصادی خود با خاورمیانه، مسائلی نظیر دموکراسی و حقوق بشر را در داخل کشورهای خاورمیانه به‌ویژه در بین کشورهای عربی در اولویت‌های بعدی قرار داده و به ثبات سیاسی این کشورها بیش از ارزش‌های دموکراتیک و مدنی اهمیت داده است. در ضمن، یکی از دلایل لزوم حفظ روابط با کشورهای خاورمیانه از نظر اروپایی‌ها، خالی نکردن این عرصه اقتصادی و بازار مهم برای حضور سایر قدرت‌ها از جمله ایالات متحده آمریکا بوده است (Karabulut, 2008: 3-5).

حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نقطه‌عطفی در سیاست‌های امنیتی اتحادیه اروپا درباره خاورمیانه بود. برخی بر این باورند که اتحادیه اروپا بر اثر نگرانی شدید از



رشد اسلام‌گرایی افراطی و حملات تروریستی ناشی از فعالیت گروه‌های افراطی به سمت درک ضرورت اصلاحات در داخل کشورهای خاورمیانه به‌ویژه کشورهای عربی کشیده شد؛ زیرا از نگاه این اتحادیه، نبود دموکراسی در این کشورها سبب شده بود که زمینه ظهور و رشد اسلام‌گرایی افراطی در این کشورها فراهم گردد. در این راه، کمک‌ها و برنامه‌های اصلاحی اتحادیه اروپا به کشورهای منطقه نه تنها موجب استقرار دموکراسی و پیشگیری از رشد افراطی‌گری نشد، بلکه سیاست‌های اتحادیه اروپا در این زمینه سبب شد که رژیم‌های اقتدارگرای عربی بیشتر به اقتدارگرایی و خودکامگی ادامه دهند و فقر و بیکاری در این کشورها افزایش درخور توجهی پیدا کند که یکی از علل اصلی وقوع بهار عربی همین نابرابری‌های اقتصادی بود (Küçükkeleş, 2013: 5-9).

۳-۲. دوره بعد از بهار عربی

بهار عربی هرچند به دلیل تلاش برای سرنگونی رژیم‌های دیکتاتور عربی و استقرار دموکراسی در این کشورها از سوی اتحادیه اروپا با استقبال مواجه شد و به دلیل تشابه این رویداد دومینووار با حرکت دموکراتیک چکسلواکی در ۱۹۸۴ با نام بهار پراگ، این جنبش‌ها به بهار عربی معروف شدند، در ادامه، این روند نگرانی اروپایی‌ها را دربرداشت. ترس از رشد افراطی‌گری گروه‌های تروریستی در بین مسلمانان و سیل مهاجران در راه اروپا از نگرانی‌های اروپایی‌ها بود. جنبش‌های عربی در ظاهر تلاشی برای دموکراتیک کردن نظام‌های سیاسی در کشورهای عربی و گامی برای نزدیکی جوامع عربی به استانداردهای اروپایی بود، ولی در بطن خود نوعی ضدیت علیه دولت‌های اروپایی را به همراه داشت؛ زیرا انقلابیون عرب کشورهای اتحادیه اروپا را در تحکیم استبداد رژیم‌های عربی مؤثر و مقصر می‌دانستند.

در اثنای انقلابات عربی، مداخله ناتو در لیبی برای اتحادیه اروپا امتحان مهمی محسوب می‌شد. اروپایی‌ها در توافق‌نامه لیسبون تصمیم گرفته بودند در راه ایجاد ساختار امنیتی مخصوص برای اتحادیه گام بردارند و برنامه‌هایی را برای تشکیل ارتش مشترک اروپایی آغاز کرده بودند. بعد از اینکه ناتو تصمیم گرفت در مسئله لیبی مداخله کند، اتحادیه اروپا به دلایل امنیتی و نیاز انرژی موضوع لیبی را در زمره اولویت‌های

سیاست خارجی خود قرار داده بودند و در جریان تصمیم‌گیری ناتو برای مداخله یا عدم مداخله مستقیم نظامی در لیبی، شکاف میان اعضای اتحادیه اروپا آشکار شد. در این خصوص، فرانسه و انگلیس طرفدار مداخله نظامی ناتو در لیبی بودند؛ ولی آلمان و کشورهای حامی آن در درون اتحادیه اروپا به دلایل اقتصادی مخالف حمله نظامی ناتو به لیبی بودند؛ از این رو می‌توان گفت مورد لیبی نشان داد که اتحادیه اروپا برای تصمیم‌گیری مشترک امنیتی هنوز فاقد عزم و اراده مشترک هستند و هنوز فاصله زیادی بین اعضای اتحادیه در موضوع امنیتی وجود دارد. در واقع می‌توان گفت که اختلافات پیش‌آمده بین اعضای اتحادیه اروپا به معنی مردود شدن این اتحادیه در آزمون امنیت مشترک بود (Siradağ, 2015: 47).

به‌طور کلی، واکنش اتحادیه اروپا به موضوع بهار عربی ابتدا منفعلانه بود. کشورهای اروپایی به سبب مناسبات اقتصادی ای که با دولت‌های عربی داشتند و نیز با تصور اینکه این دولت‌ها قادرند جنبش‌های اعتراضی مردم را سرکوب کنند، خواهان حفظ دولت‌های عربی مرتجع بودند؛ ولی با سرنگونی حسنی مبارک در مصر، کشورهای عربی به ماهیت واقعی جنبش‌های مردمی عربی پی بردند و از همین رو بود که در نشست‌های اتحادیه در سال ۲۰۱۱ و بعد از آن، اسنادی مورد توافق اعضای اتحادیه اروپا شد که در آنها از لزوم گذر کشورهای عربی از نظام‌های مستبد به دموکراتیک سخن گفته شده بود. در این اسناد، دموکراسی و ثبات اقتصادی کشورهای عربی مورد توجه کشورهای اروپایی قرار گرفته است. همچنین در تصمیمات اتحادیه اروپا درباره خاورمیانه، حتی در تصمیمات مشترک امنیتی یک ملاحظه اساسی همواره وجود داشته است و آن، منافع ملی کشورهای عضو این اتحادیه در رابطه با منطقه خاورمیانه بوده است؛ از این رو، تصمیمات اتحادیه یکپارچگی لازم را نداشته است. در این میان، مفهومی با عنوان روابط با همسایگان اتحادیه نیز در اسناد سال‌های اخیر اتحادیه به چشم می‌خورد و در سال ۲۰۱۱، سندی با عنوان «مسئولیت جدید در قبال همسایگان در حال تغییر» در این زمینه به تصویب اعضای اتحادیه رسید (Driss, 2012: 104).

با شروع مناقشه سوریه، تأثیر بهار عربی بر امنیت اتحادیه اروپا جدی‌تر شد. اروپایی‌ها در ابتدای بحران سوریه به سال ۲۰۱۱ سعی داشتند دولت بشار اسد را به

انتخاب سیاست‌های معتدل درقبال معترضان وادارند؛ ولی به‌دنبال تشدید درگیری‌های داخلی در سوریه، دولت‌های اروپایی تحریم سوریه و قطع واردات نفت و توقف سرمایه‌گذاری در این کشور را اعمال کردند. با بحرانی‌تر شدن اوضاع انسانی در سوریه و سیل مهاجرت آوارگان سوری به کشورهای اروپایی، اتحادیه دچار چالش جدیدی شد. در این زمان، بهار عربی به موضوع داخلی در بین کشورهای اتحادیه اروپا تبدیل شد و در این خصوص، بین سه کشور اصلی و سه قدرت بزرگ اتحادیه یعنی فرانسه، آلمان و انگلستان اختلاف‌نظرهای اساسی پدید آمد (Çalışkan, 2016).

۴. نتیجه‌گیری

از بررسی سیر نگاه اتحادیه اروپا به خاورمیانه می‌توان نتیجه گرفت که اتحادیه اروپا در مناسبات با کشورهای مختلف خاورمیانه اولویت اصلی را به بهره‌گیری از قدرت نرم به‌جای قدرت سخت و نظامی داده است. البته در مقاطعی اتحادیه مجبور شده است رویکرد غالب خود را در برابر خاورمیانه کنار بگذارد و به رویه‌های استفاده از قدرت سخت متوسل شود که مورد مداخله نظامی برخی کشورهای عضو اتحادیه اروپا در لیبی بعد از بهار عربی و در قالب نیروهای ناتو بارزترین مصداق استفاده از قدرت سخت در خاورمیانه است. در تعیین استراتژی اتحادیه در برابر خاورمیانه، توجه به دینامیک‌های داخلی در کشورهای خاورمیانه و اهمیت دادن به مسائلی نظیر حقوق بشر، دموکراسی و توسعه اقتصادی این کشورها مهم بوده و هدف اصلی کشورهای عضو اتحادیه اروپا در منطقه خاورمیانه از یک سو به منافع اقتصادی اعضای اتحادیه با کشورهای خاورمیانه بستگی داشته است و از سوی دیگر، تلاش اتحادیه برای انجام اصلاحات سیاسی و مدنی در خاورمیانه عمدتاً با این نیت انجام می‌شود که شرایط جوامع خاورمیانه بیش‌ازپیش به استانداردهای موردنظر اتحادیه اروپا نزدیک‌تر شود. در این خصوص می‌توان گفت که اتحادیه اروپا به‌دنبال این است که کشورهای منطقه خاورمیانه در مسیر حرکت به سمت پیشرفت شبیه اروپایی‌ها شوند. اتحادیه اروپا در واقع خود را به‌مثابه مدل و الگوی مطلوب برای کشورهای خاورمیانه در نظر می‌گیرد و سعی دارد تحولات داخلی در این کشورها را به سمت اروپایی شدن هدایت کند.

نگاه متفاوت دولت‌های اتحادیه اروپا به رژیم‌های عربی در خاورمیانه که عمدتاً از نبودِ منافع مشترک کشورهای عضو اتحادیه اروپا در خاورمیانه نشئت می‌گیرد نیز سبب شده است که این اتحادیه نتواند در مورد امنیت خاورمیانه به سیاست مشترک برسد، کما اینکه به جرئت می‌توان گفت که اتحادیه درباره سایر مناطق جهان نیز نتوانسته است به سیاست امنیتی مشترک برسد. در جریان بهار عربی، تضاد منافع خاورمیانه‌ای بین اعضای اتحادیه اروپا موجب شد که برخی دولت‌های عضو اتحادیه به رغم اشتراک جنبش‌های عربی با ارزش‌های اروپایی مانند دموکراسی و حقوق بشر، به‌خاطر حفظ منافع اقتصادی‌شان تا آنجا که ممکن بود، از بقای رژیم‌های مستبد عربی حمایت کنند. در پایان می‌توان گفت که سابقه اقدامات کشورهای عضو اتحادیه اروپا در زمینه تدوین و اعمال سیاست‌های امنیتی اتحادیه نشان داده است که این اتحادیه قادر نیست به سیاستی مشترک در امنیت خود برسد و تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه موفقیت‌آمیز نبوده است. مشکل اصلی به اختلاف نظر بین اعضای اتحادیه اروپا در مسائل امنیتی مربوط می‌شود. قرائت‌های مختلف اعضای این اتحادیه سبب شده است که درک و فهم کشورهای مختلف از امنیت اتحادیه باهم خیلی متفاوت باشد. در این میان، بخشی از ریشه‌های این اختلاف درک و برداشت به ارزش‌های مورد قبول اعضای مختلف اتحادیه برمی‌گردد. بنابراین، نه تنها تلاش‌های گذشته و کنونی اتحادیه برای تأسیس یک چتر حمایتی امنیتی برای اتحادیه ناکام ارزیابی می‌شود، بلکه با شرایط کنونی می‌توان گفت که چشم‌انداز روشنی از آینده امنیتی مشترک اتحادیه نیز وجود ندارد. اعضای اتحادیه اروپا برای رفع این نقیصه لازم است در ابتدا اختلافات بنیادین و ارزشی بین خود را مرتفع سازند و پس از رسیدن به فهم مشترک می‌توانند در خصوص امنیت سایر مناطق جهان از جمله خاورمیانه به سیاستی مشخص و مشترک برسند.

منابع و مأخذ

- Hyde-Price, Adrian (2004). “European Security Strategic Culture and the Use of Forces,” *European Security*, Vol. 13, No. 4.
- Driss, Ahmed (2012). “EU Response: A Show of Ambivalence,” in Riccardo Alcaro and Miguel Haubrich-Seco (ed.), *Rethinking Western Policies in Light of the Arab Uprising*, Roma: Edizioni Nuova Cultura.
- Karabulut, Bilal (2008, Summer). “European Union-Israel Relations,” *Gazi Akademik Bakış*, Vol. 1, No. 2.
- Çalışkan, Burak (2016, Nov. 29). “Küresel Bilek Güreşi: Uluslararası Güçlerin Suriye Politikası,” *IHH Humanitarian and Social Research Center (İNSAMER)*, http://insamer.com/tr/kuresel-bilek-guresi-uluslararasi-guclerin-suriye-politikasi_431.html, (Date of Accession: 03.03.2018).
- KILDİŞ, Hüseyin Pusat (2018, May). “The Security Policies of the European Union Towards the Middle East,” *ANKASAM | Bölgesel Araştırmalar Dergisi*, 2 (1).
- McIver, Iain (2011). “The European Union: A Brief History”, The Scottish Parliament, Spice Briefing, http://www.parliament.scot/ResearchBriefingsAndFactsheets/S4/SB_11-44.pdf (Date of Accession: 03.03.2018).
- Küçükkeleş, Müjge (2013, Jan.). “AB’nin Ortadoğu Politikası ve Arap Baharına Bakışı”, *SETA Analiz*, No. 63.
- SCULTHORPE, Tim (2017, Nov. 13). “EU Army Moves a Step Closer as 23 Countries Sign Up to ‘Historic’ Pledge to Pool Resources Despite Warnings It Could Undermine Mehmet”, *Daily Mail*, <http://www.dailymail.co.uk/news/article-5078157/EU-army-moves-step-closer-23-nations-sign-pact.html>, (Date of Accession: 01.12.2017).
- “Size and Population,” (2018, Feb. 24). *Official Website of the European Union*, https://europa.eu/european-union/about-eu/figures/living_en, (Date of Accession: 24.02.2018).
- SIRADAĞ, Abdurrahim (2015, Sep.-Oct.). “Avrupa Birliği’nin Libya Politikası: Realizm veya İdealizm”, *Ortadoğu Stratejik Araştırmalar Merkezi (ORSAM)*, Vol. 7, No. 70.
- ZWAAN, Jaap, et al. (2016, Spring). *Governance and Security Issues of the European Union: Challenges Ahead*. Netherlands: T.M.C. Asser Press.